

تبلیغات خصمانه در نظام آزادی رسانه‌ها در چارچوب حقوق بین‌الملل

محسن غلامی^۱، محمدرضا حکاکزاده^۲

چکیده

رسانه‌ها ضرورت عصر دهکده جهانی و تنظیم‌کننده حقوق و روابط بین‌الملل هستند. وسایل ارتباط جمعی، سیاست دولت‌ها را پیش می‌برد و خود را ابزار حیات آنان معرفی می‌کند. رسانه مدخل آزادی بیان و نشر اطلاعات و البته ناظر بر حقوق بشر لقب می‌گیرد. با این حال همیشه هم بیانگر هنجارها و جهانی‌سازی قائم بر حقوق بین‌الملل نیست تا جایی که دولت‌ها کارکرد رسانه را به نفع خود و در ضدیت با دیگر جوامع نیز به کار می‌برند. این فناوری گاه با تعرض به حریم سایر تابعان، سوبه غیرمسالمت‌آمیز می‌گیرد و صلح و امنیت بین‌الملل را به مخاطره می‌اندازد. بر این اساس، سؤال اصلی مقاله این است که حقوق بین‌الملل به چه میزان توانسته عملکرد رسانه‌ها در بیان و نشر تبلیغات خصمانه را قاعده‌مند سازد؟ بنابراین، با به‌کارگیری روش توصیفی-تحلیلی و استقراء از قواعد حقوق بین‌الملل، ماهیت پروپاگاندای سیاسی که بی‌شبهت به تبلیغات خصمانه نیست، در صحنه حقوق و عملکرد رسانه‌ها واکاوی شده است. میدان عمل محقق دامنه حق «آزادی بیان و نشر اطلاعات» برگرفته از اعلامیه جهانی حقوق بشر و اسناد عام‌الشمول و فرض آن در نظام کارکرد رسانه‌ها بوده است. نتیجه پژوهش بر ممنوعیت ضمنی تبلیغات خصمانه در اسناد متعدد بین‌المللی حکایت دارد اما سوءاستفاده دولت‌ها از رسانه در تحریک یا تهدید به جنگ‌طلبی و تصویرسازی مسالمت‌آمیز از مخاصمات به‌واقع محرز است. حقوق بین‌الملل باید نظام عملکرد رسانه‌ها را به‌هنجار سازد، چراکه رسانه با ادعای بی‌حصر آزادی بیان می‌تواند حتی موجب مأخذ نفرت‌پراکنی، خشونت‌طلبی و جنگ‌افروزی شود یا هر مخاصمه‌ای را با تغییر ماهیت، اقدام بشردوستانه معرفی کند.

واژه‌های کلیدی: وسایل ارتباط جمعی، حقوق بین‌الملل بشر و بشردوستانه، تبلیغات خصمانه، آزادی بیان، حقوق رسانه.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۸

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول).
Gholami.m314@gmail.com

۲. استادیار گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران
hakakreza@gmail.com

DOI: 10.22034/IMRL.2022.370109.1153



مقدمه

تابعان حقوق بین‌الملل در عصر برساخت اجتماعی^۱ در دهکده جهانی و هرج و مرج هنجارها که ناشی از تبلور ارتباطات و رسانه‌هاست، خود را به‌ظاهر مقید به اصل منع «توسل به زور» دانسته‌اند و نهی از آن را در لایه‌های مستقیم حقوق بین‌الملل پیش‌روی خود می‌بینند. «حفظ صلح و امنیت بین‌المللی» اصلی عینی در روابط دولت‌هاست اما برخلاف نص اسناد بین‌المللی، چندان هم در روابط بین‌دول محقق نمی‌شود. نه فقط مخاصمات مسلحانه میان حاکمیت‌های قرن حاضر همچون جنگ روسیه و اوکراین، بلکه اقدامات خشونت‌بار گروه‌های تروریستی نیز مؤید نقض این قاعده بنیادین حقوق بین‌الملل است. از طرفی امروزه نه‌تنها کشورها و سازمان‌ها چه‌بسا برخی پدیده‌های قدرتمند و تولد یافته پسامدرنیته از جمله رسانه‌ها نیز ضلعی دیگر از خشونت‌طلبی‌های احتمالی در حوزه بین‌الملل و مخاصمات را تشکیل داده‌اند. لذا، می‌توان نهاد رسانه را بازیگر جدید روابط بین‌الملل دانست.

رسانه‌های جمعی کانال‌های ارتباطی برای انتقال اطلاعات به توده مخاطب یا همان افکار عمومی هستند (Danladi, 2013: 2). این وسایل ارتباطی ابزارهای ایدئولوژیکی هستند که دست به تولید معنا می‌زنند و گاه ابزار تحقق سلطه می‌شوند (Coban, 2016: 48). اما رسانه‌ها، جدا از کارکردها و مزایای متعددی که دارند، می‌توانند ابزار صاحبان قدرت و بلندگوی سیاست دولت‌ها در عرصه داخلی و خارجی و البته گروه‌های متخاصم باشند. هم‌اکنون ابزار نظامی تنها وسیله تجاوز دولت‌ها علیه یکدیگر نیست تا آنجا که سخن از جنگ رسانه‌ای هم به میان می‌آید و رسانه در دست گروه‌های متخاصم می‌تواند این عمل را با پروپاگاندای مهیج محقق سازد.

پس ذات رسانه عاری از خشونت نیست. نمونه عینی آن در اقدامات بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر رخ داد؛ همان‌جایی که سلطه رسانه‌های غرب به‌حدی بر طبل جنگ کوبید که عاملانشان با سوءاستفاده از ژورنالیسم درگیر ایدئولوژی افراطی، دست به تولید واقعیتی خیالی زدند و خود عامل جنگ‌افروزی و تجاوز در سرزمین‌های مستقل عراق و افغانستان شدند. این رویه همچنان هم ادامه دارد (غلامی، ۱۴۰۰: ۱۱). این همان تبلیغات خصمانه رسانه‌ای است که در مناسبات جهانی، افکار را جهت‌دهی می‌کنند و با تروریسم رسانه‌ای، مخاصمات را مداخله بشردوستانه جلوه می‌دهند. این نوع تبلیغات گاه موجبات تجاوز آمریکا به کشورهای غرب آسیا را فراهم می‌کند و گاه در جهت اهداف خشونت‌طلبی گروه‌هایی مثل داعش به کار گرفته می‌شود.



گارت اس. جووت^۱ با تعریف کامل‌تری از پروپاگاندا آن را تلاشی عامدانه و نظام‌مند برای شکل‌دادن به فهم و درک انسان، دستکاری برداشت او و هدایت رفتارش به قصد دستیابی به واکنشی در راستای هدف مطلوب تبلیغات‌گر می‌داند (ریخته‌گر برنجی و کدخدایی، ۱۳۹۷: ۵۲۸). هدف نیز عمدتاً کسب پذیرش عمومی به‌نفع ایدئولوژی مطلوب طرف مروج تبلیغات است و این کنش را با دستکاری در افکار و رفتار مخاطب انجام می‌دهد تا در ادامه واکنش مثبت او را برای تحقق خواسته‌اش باعث شود (Jowett and Donnell, 2012: 269). عملیات نظامی نیز با برنامه‌ریزی رسانه‌ای همراه است و حتی نیروهای مسلح از آن در آموزش بهره می‌برند و تسلط بر فرآیند رسانه و روابط خوب با خبرنگاران را نیاز می‌دانند (Mercier, 2005: 657). با این معیار، رسانه‌ها عمدتاً غیرعمد اما گاه هدفمند، جنگ تبلیغاتی را به‌دست گرفته‌اند زیرا این رسانه‌ها تنها کانال‌های ارتباطی‌اند که دسترسی به توده مخاطبان را تضمین می‌کنند. حتی گروه‌های تروریستی هم به‌دنبال تبلیغات پروپاگاندا خود سراغ چنین ابزار منحصربه‌فردی می‌روند (غلامی، ۱۴۰۰: ۲۰). البته این مبحث را می‌توان به رفتار دولت‌ها که تابعان مشروع حقوق بین‌الملل هستند و نیز گروه‌های غیرمشروع مثل تروریست‌های داعشی نسبت داد که رسانه را به شکل عریان و در جهت اهداف ضدصلح و تضييع امنیت بین‌المللی به‌کار می‌گیرند. این در حالی است که مفاهیم موجود در بند یک^۲ ماده ۲۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^۳ و ماده ۱۹^۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر^۵ با مُحق دانستن آزادی عقیده و بیان و متعاقباً مجاز دانستن انتشار اطلاعات و افکار از طریق هر رسانه‌ای، به‌طور علنی به این موضوع دلالت و با آن تطبیق موضوعی دارند.

این پژوهش با رویکرد توصیفی و تحلیلی سعی دارد مواجهه «نظام عملکرد رسانه‌ها» با «تبلیغات خصمانه» در دایره اسناد حقوق بین‌الملل بشر را بسنجد. فرض بر آزادی رسانه‌ها در نشر اطلاعات است اما باید دید قواعد حقوق بین‌الملل چگونه دست به تحدید رسانه در عرصه تبلیغات خصمانه یا پروپاگاندا سیاسی دارد؟ بنابراین، محقق علاوه بر تبیین چندوجهی

1. Garth S. Jowett

۲. عبارت «هرگونه تبلیغ برای جنگ ممنوع است» در این بند را با تفسیر و تعبیر می‌توان قائل به عملکرد رسانه‌ها دانست.

3. International Covenant on Civil and Political Rights

۴. در این ماده آمده است؛ هر انسانی محق به داشتن آزادی عقیده و بیان است. این حق شامل آزادی داشتن باور و عقیده‌ای بدون (نگرانی) از مداخله (و مزاحمت) و حق جستجو، دریافت و انتشار اطلاعات و افکار از طریق هر رسانه‌ای بدون ملاحظات مرزی است.

5. Universal Declaration of Human Rights

کارکردهای رسانه‌ها، سراغ اسناد و قواعدی می‌رود که می‌توانند مانعی بر اقدامات خصمانه رسانه‌ها در تحریک و مشروعیت‌توسل به زور یا مخاصمه مسلحانه باشند. این موضوع را نیز با توجه به دو اصل «آزادی بیان و نشر اطلاعات رسانه‌ای» و «ممنوعیت تبلیغات برای جنگ» با رویکرد حقوق بین‌الملل بررسی می‌کند.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های کمی در موضوع این مقاله تاکنون منتشر شده است. میریان و اصغری (۱۳۹۱) در مقاله «تبلیغات خصمانه از منظر حقوق بین‌الملل» برای توصیف موضوع مذکور تلاش کرده‌اند اما به‌نظر با یک تسامح معنایی، رسانه را با فضای سایبر برابر دانسته و با تمرکز بر آن مدعی می‌شوند «برخلاف گذشته که دولت‌ها فقط به‌کارگیری نیروی نظامی علیه خود را تجاوز می‌دانستند، امروز از جنگ سایبری سخن به میان می‌آید که نقش تبلیغات را در ادامه پررنگ می‌سازد.» درحالی که رسانه و سایبر دو پدیده یکسان نیستند. البته پژوهش‌های جدید محققان حقوق بین‌الملل، جدیت بیشتری بر مخاصمات مسلحانه (جنگ) دارند و در این رابطه به دیگر علوم توجه شایانی داشته‌اند که حقوق رسانه‌ها نیز جدا از آن نیست. به‌طور مثال دنیل جویس^۱ (۲۰۱۰) در پروژه تحقیقاتی خود با عنوان «حقوق بشر و گفتمان‌سازی حقوق بین‌الملل»^۲ یا جوت و او. دانل^۳ (۲۰۱۲) در کتاب «پروپاگاندا و اقناع»^۴ به‌دنبال چنین رهیافتی برآمده‌اند اما نکته تمایز یا اجماعشان بر سر آزادی مطلق رسانه‌ها در اشاعه موضوعات است که پژوهش‌ها را در نتیجه، متفاوت و در تحلیل‌ها و راه‌حل‌ها حتی متناقض می‌سازد.

صاحب‌نظران حقوق تطبیقی و مطالعات میان‌رشته‌ای دقت بیشتری بر این موضوع دارند و در پی درهم آمیختن رسانه با علوم مرتبط از جمله حقوق یا روابط بین‌الملل هستند. با این حال به‌دلیل اختلاف‌نظر در مفهوم، مصادیق و جزئیات حقوق بشر در میان متفکران غرب و شرق، تخصیص آزادی در هرگونه بیان رسانه‌ای در نشر و توزیع اطلاعات با دشواری همراه است. این پژوهش سعی دارد پروپاگاندا را این‌بار حول مفاهیم حقوق بین‌الملل با تمرکز بر مخاصمات مسلحانه بررسی و آن را با کارکردهای جدید در نظام آزادی رسانه، با جزئی‌نگری

1. Daniel Joyce

2. Human Rights and the Mediatization of International Law

3. Garth S. Jowett & Victoria O'Donnell

4. Propaganda and Persuasion



بیشتر تحلیل کند. درواقع، این پژوهش بین‌رشته‌ای است که سعی دارد بخش «تبلیغات» را از علوم ارتباطات و مفاهیم «آزادی بیان» و «نشر اطلاعات» را از اعلامیه جهانی حقوق بشر اقتباس کند و با ترکیب این مفاهیم، این‌بار سویه ناخوشایند آن را به‌شکل پروپاگاندا که وجه خصمانه دارد، در کارزار نظام رسانه‌ای به بحث بگذارد؛ موضوعی به‌واقع روزآمد که هنوز از منظر «حقوق ارتباطات» در پژوهش‌های داخلی مورد اهتمام قرار نگرفته است.

چارچوب مفهومی

این پژوهش در فراگرد تحلیل موضوعی خود بر چند کلیدواژه تمرکز دارد. «تبلیغات» به‌عنوان بستر اصلی و در معنای کلی فن اثرگذاری بر اعمال انسانی به‌وسیله دستکاری در نمودگار هاست که تحریک به خصومت علیه دشمن از اهداف چهارگانه آن محسوب می‌شود (سوربون و تانکار، ۱۴۰۱: ۱۴۸). بنابراین، وقتی چهره منفی به خود بگیرد معنای «پروپاگاندا» می‌یابد که می‌توان آن را مترادف با تبلیغات خصمانه دانست.

آکسفورد اصطلاح «پروپاگاندا» را اطلاعاتی با ماهیت مغرضانه یا گمراه کننده که برای ترویج یک هدف یا دیدگاه سیاسی استفاده می‌شود (Tate Library, 2022) معنا می‌کند. هدفش نیز تأثیرگذاری نادرست بر افکار عمومی است و این را به‌وسیله رسانه محقق می‌سازد. نقش بنیادین رسانه نیز امروز در سطوح بین‌المللی به‌رسمیت شناخته شده و پیوند دهنده رابطه دولت و مردم و حتی بازیگر اصلی تأمین صلح و امنیت بین‌الملل تلقی می‌شود (Adache, 2010). صلح حالتی است که در آن جنگ حکم‌فرما نباشد (جعفری لنگرودی، ۱۴۰۰: ۴۰۸). بنابراین، پروپاگاندا واژه‌ای کاملاً درگیر و هم‌عرض امنیت است و به دوری از خطرانی اطلاق می‌شود که منافع و ارزش‌های انسان‌ها را تهدید می‌کند (اشرفی، ۱۳۹۳: ۸۶). رسانه هم‌اکنون بخشی از پدیده جنگ شده و راهبرد نظامی دولت‌ها آن را به‌عنوان یکی از ابزار تحقق اهدافش می‌داند (Mercier, 2005: 656). در این بین، قطعاً مهمترین کارکرد رسانه توزیع اطلاعات و لازمه آن هم داشتن حق آزادی بیان و نشر اطلاعات است که در اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) تجویز شده است.

«آزادی بیان» در معنا ابزاری برای رساندن اندیشه و عقیده به دیگران است که می‌تواند ریشه و مبنای آزادی‌های دیگر همانند حق انتقاد، انتقال و انتشار اندیشه‌ها، رهایی از سانسور و غیره باشد.

این حق در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای تصریح شده است (زاهدی و شریف‌زاده، ۱۴۰۰: ۱۰۲). باید دقت داشت هرچند هنجارهای حقوق بشر و قوانین اساسی کشورهای دموکراتیک این حق را به رسمیت شناخته‌اند اما بازهم قائل به محدودیت‌های معین بر آزادی بیان هستند (Sedler, 2006).

۱- پروپاگانداي رسانه در حقوق بين الملل

رسانه‌ها می‌توانند از حق آزادی بیان برای اطلاع‌رسانی و حمایت از سایر حقوق بشر استفاده کنند. اهمیت جایگاه رسانه‌ها بر کسی پوشیده نیست هرچند در برابر فشار سیاسی آسیب‌پذیرند. شیوه‌های متضاد پخش اخبار در ایالات متحده و بریتانیا نشان می‌دهد آزادی بیان متأثر از نظام دولتی و رسانه‌ای است (Balabanova, 2015: 176). رسانه‌های جمعی^۱ و اجتماعی^۲ با وجود تفاوت در کارکردها و مزایا، هر دو تحت عبارت وسایل ارتباط جمعی، نقطه اتکاء دولت‌ها در اجرای سیاست‌هایشان در قلمرو داخلی و در روابط بین‌دول محسوب می‌شوند. دولت‌ها از رسانه‌ها در جهت پذیرش و اقناع درباره رویه حاکمیتی خود و نیز مسالمت‌آمیز بودنش در سیطره قواعد حقوق بین‌الملل بهره می‌برند.

نقش و جایگاه رسانه‌ها، امروزه فراتر از اطلاع‌رسانی صرف است و اصول پیشین ساختار روابط و حقوق بین‌الملل را به چالش طلبیده‌اند. رسانه‌ها، ابزاری هستند با کاربرد متعدد و یا متعارض که مانند سلاح می‌تواند در خدمت منازعه و جنگ باشد و همچنین قادرند به حل منازعه، استقرار و تحکیم کمک نمایند. برخی حتی معتقدند ماهیت محتوایی رسانه‌های جهان بیشتر رویکرد تخاصمی دارند تا برقراری صلح و امنیت (سلطانی‌پور، ۱۳۹۱: ۶۱). با این رویکرد، رسانه‌های اجتماعی خصوصاً در بستر اینترنت نه به‌مثابه مکانی برای گفتگو و ارتباط دموکراتیک بلکه به مکانی پرهرج‌ومرج، کالایی شده و محل جنایت تلقی می‌شوند (further, 2010: 507). هر چند این دیدگاه‌ها اغراق‌آمیز به نظر می‌رسند، با این‌وجود باید دقت داشت تسهیل‌گری هرچند نقطه‌عطف کارکرد رسانه‌ای در روابط تابعان حقوق بین‌الملل است اما این وسیله ارتباطی اولاً به‌واسطه نقص در دروازه‌بانی خبر^۳ یعنی عدم انضباط در فراگرد کنترل جریان و گردش اطلاعات به سمت افکار عمومی و ثانیاً در پی کاربرد عمدی آن در جهت پروپاگانداي رسانه‌ای، می‌تواند در زمره ابزار خصمانه و ناقض صلح قرار گیرد.

1. Social media
2. Mass media
3. News gatekeeping



۱-۱. نظام آزادی رسانه^۱ در نظریات

مفهوم «آزادی رسانه» در علوم ارتباطات مورد وفاق نظریه‌پردازان نیست. با تحلیل منتقدینی همچون سونجا وست^۲ «بند آزادی مطبوعات»^۳ در قانون اساسی ایالات متحده تقریباً از هر ماده دیگری اهمیت کمتری دارد. پس نگره منفی به این مفهوم در حقوق آنان رایج‌تر بوده و خود را از رویکرد مثبت حقوق بشر بین‌المللی و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^۴ جدا می‌کند (Tambini, 2021: 135). منشور حقوق اساسی اتحادیه اروپا در ماده ۱۱ با برچسب «آزادی در بیان و اطلاعات» تصریح دارد که آزادی و کثرت‌گرایی رسانه‌ها باید محترم شمرده شود و شورای اروپا^۵ نیز از ارتقاء آزادی رسانه حمایت کرده است. سازمان امنیت و همکاری اروپا^۶ هم بر نقض آزادی رسانه نظارت جدی داشته است.

جان اوستر^۷ استدلال می‌کند آزادی رسانه یک حق جداگانه و اساسی است و باید هم وجود داشته باشد. او حتی از آن به‌عنوان «اصل» قانونی یاد کرده است (Oster, 2015). با این حال توافق اندکی در مورد معنای آزادی رسانه‌ها وجود دارد البته حمایت از روزنامه‌نگاران همچنان دیده می‌شود. از طرفی دموکراسی‌های جهان در پی اصول جهانی برای تنظیم رسانه‌های جدید هستند. پس یک سردرگمی جهانی در مورد مفهوم و دایره آزادی رسانه‌ها آشکار است (Barendt, 2021). به‌عبارت دیگر یکی از مشکلات اساسی فعلی این است که بین «آزادی بیان» و «آزادی رسانه‌ها» خلط وجود دارد (Tambini, Ibid: 139). آزادی بیان حق انسانی است اما آزادی رسانه به وضوح جزء حقوق بشری تعریف نمی‌شود (O'Neill, 2013).

منتقدین آزادی رسانه قائل به حصر این مفهوم حتی بر رسانه‌های دولتی هستند و اعتقاد دارند آزادی بیان و آزادی رسانه‌ها باید یکسان باشد زیرا اختصاص آزادی به رسانه به هنگام برخورد با آنان، منجر به سانسور و فشار می‌شود. موافقان اما تأکید دارند رسانه‌ها باید از گفتمان دموکراتیک حمایت کنند. به نظر آنان کلید گفتمان حقوق بشر، آزادی بیان است که نه فقط حق انتشار، بلکه حق دریافت آن را هم شامل می‌شود. دولت‌ها موظف‌اند نهادهای تضمین‌کننده آن را

1. A system of media freedom

2. Sonja R. West

3. Awakening the Press Clause

4. European Convention on Human Rights (ECHR)

5. Council of Europe

6. Organization for Security and Co-operation in Europe

7. Jan Oster

هم برقرار سازند. نظریه‌پردازانی مثل اریک بارنت^۱ در مقابل این‌ها و در زمره منفی‌گرایان قرار می‌گیرد (Stein, 2004). به نظر می‌رسد رویکرد مثبت به آزادی رسانه‌ها به فرصتی برای مداخله منجر می‌شود. البته استدلال‌های بسیاری نیز علیه نگاه منفی‌گرایان مطرح شده که قانع‌کننده‌ترینش این است که این نظریه احتمالاً باعث مرگ رسانه‌های دموکراتیک و دارای منافع عمومی خواهد شد (Downie and Schudson, 2009). با این حال نظرات میانه‌رو و نزدیک به آزادی رسانه‌ها نیز مورد توجه است چرا که معتقدند در زیستی که همه چیزش به رسانه مرتبط است باید به رسانه‌های مسئول و حقیقت‌جو فرصت حیات داد اما نظام حقوقی حاکم بر آن را هم فراهم کرد.

۲-۱. زیست رسانه‌های جمعی در حقوق بین‌الملل

رسانه در عرصه جهانی در حال تکاپوست و رفته‌رفته خود را وسیله موردنیاز ارتباطات جوامع جا می‌زند و تابعان حقوق بین‌الملل هم سعی دارند آن را در خدمت اهدافشان به‌کار گیرند. همچنانکه زمانی پطروس غالی، دبیرکل اسبق سازمان ملل از ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶، رسانه‌های همچون CNN را شانزدهمین عضو شورای امنیت می‌دانست (Hurd, 1997: 11). پس پیام‌های رسانه‌ای در ذات خود می‌تواند نه مصلحانه بلکه متمرکز بر غرایز خصمانه و ناقض صلح و امنیت بین‌الملل به‌عنوان آمال حقوق بین‌الملل نیز باشد.

ظهور رسانه‌های نوین و تأکید مستمر بر اهمیت رسانه‌های اصلی در بستر جامعه شبکه‌ای، نوعی ارتباطات خاص را به‌وجود آورده است که به آن ارتباطات شبکه‌ای شده^۲ گفته می‌شود (Cardoso, 2006: 37). به‌طور مثال تلویزیون در ظرف رسانه‌ای خود دایره ارتباط‌گیری را غیرشخصی می‌کند، از فرد گذر می‌کند و بی‌آنکه مخاطبش را درگیر و حصاربندی نماید، به نشر هژمونی و ایده‌های عمومی یک‌طرفه‌اش می‌پردازد (Gonina, 2019: 10). رسانه‌ای چون مطبوعات نیز با جنسی از رسانه‌های خطی صرفاً به مخاطبش اطلاعات پمپاژ می‌کند با این وجود بازخورد آنی و همزمان از او نمی‌گیرد (غلامی، ۱۴۰۰: ۱۸). در نقطه مقابل، رسانه‌های اجتماعی حاوی اطلاعات زیادی هستند که از طرف کاربرانشان اشتراک‌گذاری شده‌اند ولی فهم اطلاعات بارگذاری شده از تولید تا مصرف، نیازمند سواد رسانه‌ای است (Ariel and Avidar, 2015: 20). رسانه‌های تعاملی مثل توئیتر و فیس‌بوک نیز مُنبعث از زیرساخت‌های سایبری، ذات دنیای

1. Eric Barent
2. Networked Communication



جدید رسانه هستند. در این دسته، رسانه و صاحبانش دیگر با مخاطب منفعل مواجه نیستند بلکه مطابق با اهداف عامه‌پسند و حتی مخاطره‌آمیز پیام می‌دهند و واکنش می‌گیرند.

۱-۳-۱. پارادایم جامع آزادی رسانه‌ها

۱-۳-۱. تبلیغ همراه با مسئولیت‌پذیری: آزادی رسانه‌ها متشکل از برخورداری از آزادی بیان و نشر اطلاعات برای عملکرد صحیح دموکراسی ضروری است که این پدیده تا حد زیادی به حمایت از سایر حقوق بشر کمک می‌کند. رسانه‌های آزاد، مستقل و کثرت‌گرا در واقع روزنامه‌نگاران تحقیقی هستند که موارد متعددی از شکنجه، تبعیض، فساد یا سوءاستفاده از قدرت را فاش کرده‌اند. ارائه حقایق به عموم مردم، اغلب اولین قدم ضروری است که به اصلاح نقض حقوق بشر و پاسخگویی دولت‌ها کمک می‌کند (Commissioner for Human Rights, 2022). این پاسخگویی مؤید مسئولیت‌پذیری دولت‌ها در قبال تضييع حقوق دیگر تابعان حقوق بین‌الملل است.

در پرونده هندیساید^۱ دادگاه اروپایی حقوق بشر بر اهمیت آزادی بیان تأکید و اظهار شد این حق از پایه‌های اساسی جامعه دموکراتیک و از شروط پیشرفت و توسعه آن است (1976 Handyside case). البته رسانه‌ها همواره در معرض اشکال مختلف فشار و کنترل محتوا هستند که استقلال و تکثر آنها را تضعیف می‌کند. با وجود ادعای جوامع اروپایی مبنی بر رعایت آزادی رسانه‌ها ولی نشانه‌های نگران‌کننده سرکوب و حمله به این حق مشاهده می‌شود که موجودیت‌شان را تضعیف کرده است. گزارش‌هایی نیز از آزار و اذیت، ارباب و استفاده از خشونت و حتی ترور دیده می‌شود (Commissioner for Human Rights, 2022). بدیهی است که آزادی بیان (به‌ویژه در مورد رسانه‌ها) حق اساسی انسانی است اما دادگاه اروپایی حقوق بشر روشن می‌کند که محدودیت‌هایی ممکن است به نفع امنیت ملی و امنیت عمومی بر آن ضرورت یابد (Hammarberg, 2011: 11).

۱-۳-۲. در خدمت منافع مشروع با تجویز معیار قانون‌مندی: قاعده اساسی در مورد

احقاق حق از جمله حق رسانه برای آزادی بیان و نشر اطلاعات باید توسط قانون تجویز شود، در خدمت منافع مشروع و بالتبع ضرورت دموکراسی باشد. در این رابطه حضور پدیده‌های برهم

1. Handyside

زننده صلح جهانی همانند تروریست‌های داعش در صحنه بین‌الملل با تأسیس رسانه‌هایی مثل «اعماق» و «النبأ» جای سؤال دارد.

همین‌گونه هم که به ادعای الکساندر اسپنسر^۱ وسایل ارتباط‌جمعی برای ناقضان حقوق بین‌الملل از جمله گروه‌های تروریستی نقشی حیاتی دارند، بستر توزیع پیام آنان را فراهم می‌کنند و رسانه راهبرد ارتباطی آنها شناخته می‌شوند. پس رسانه با نقض ماهیت خود می‌تواند تأمین‌کننده «اکسیژن تبلیغات» تروریست‌ها باشد (Spencer, 2012: 4). هرچند این نظریه‌ای همه‌گیر و اثباتی نمی‌تواند باشد چراکه رسانه نقش مضاعفی در مقابله با این ناقضان حقوق بین‌الملل دارد اما تروریست‌ها هم بدون رسانه، هویتشان را از دست می‌دهند (غلامی، ۱۴۰۰: ۸۱). پس عملکرد رسانه در حقوق بین‌الملل بسته به کاربردش می‌تواند دارای رویکرد مصلحانه یا خصمانه باشد.

ارائه و دسترسی به اطلاعات و شکل‌گیری جامعه سیاسی و تأکید بر اصل مشارکت مردم آنقدر مهم است که گاه نظریه‌پردازان این سؤال را مطرح می‌کنند که آیا آزادی رسانه‌ها به‌ویژه اینترنت باید به‌مانند یک حق مجزا از حقوق بشری پیکربندی گردد؟ (Joyce, 2015: 493). بنابراین، توسعه رسانه‌های دیجیتال نیاز به قواعد بین‌المللی را تشدید می‌کند. بعضی صاحب‌نظران با توجه به ماهیت جهانی شدن و تأثیر فراملی این وسایل ارتباطی و اینترنت، بر وضع مقررات بیشتر استدلال کرده‌اند. مخالفان ولی به حمایت از مدل حقوق خصوصی مقررات رسانه‌ای و خودتنظیمی می‌پردازند. با توجه به چارچوب حقوق بین‌الملل بحث مهم، چگونگی سازگاری حق آزادی بیان با رسانه‌های نوظهور است (Rowbottom, 2006: 493).

۴-۱. تبلیغات خصمانه در گفتمان عمومی

۴-۱-۱. نفوذ تبلیغات جنگ‌طلب در رسانه‌ها: تبلیغ از عناصر اساسی زمان جنگ است و این موضوع در جنگ جهانی اول به اثبات رسید. همین نگرش منفی باعث شد تا بعد از جنگ نیز خطرات احتمالی نفوذ رسانه‌ها با ورود به مقوله تبلیغات خصمانه شکل گیرد. در دوره بین دو جنگ جهانی، پخش رادیو اهمیت یافت و به‌طور فزاینده توسط کشورهای اروپایی در درگیری‌های سیاسی منتهی به جنگ جهانی دوم استفاده شد. پس از ۱۹۴۵ نیز تبلیغات به سلاح اصلی مبارزه ایدئولوژیک شرق و غرب تبدیل شد. با پایان جنگ سرد، تبلیغات رسانه‌ای در صحنه



بین‌الملل ادامه یافت و در عصر حاضر به ترکیبی بسیار پیچیده از ایدئولوژی‌های سیاسی، مذهبی و اقتصادی رسیده است (Jowett and Donnell, 2012: 212). در واقع روش استفاده رژیم‌های فاشیستی از تبلیغات خصمانه پیش از (و در مدت) جنگ جهانی دوم باعث شد که تبلیغات چهره‌ای منفی به خود بگیرد (Ludolph, 2020: 104).

این مبلغان با تحریک افکار عمومی، مردم خود را آماده حمایت از اقدامات تجاوزکارانه نیروها و شرایط را برای وقوع جنگ تهاجمی ایجاد کرده بودند. بخشی از اتهامات نیز مربوط به انکار و سانسور اطلاعات صحیح در آلمان نازی و امپراتوری ژاپن بود که مانع از ارائه اطلاعات لازم در مورد تجاوز این کشورها می‌شد (Hendrix, 2022). هم‌اکنون نیز که رسانه‌ها نقشی همانند بازیگر جذاب حقوق بین‌الملل را ایفا می‌کنند، این پروپاگاندای رسانه‌ای با سویه خصمانه جدیتی دوچندان گرفته است.

۲-۴-۱. پروپاگاندای دوگانه رسانه در حوزه حقوق بشر: هم‌اکنون حکومت‌ها و سیاستمداران در برابر رسانه آسیب‌پذیرند. رسانه‌های فراگیر آنقدر کارا هستند که قادرند حکومتی استعماری را در لوای مدافع حقوق بشر و دولتی انقلابی را تروریست و ضد‌مردمی جلوه دهند (مهدی‌زاده و غلامی، ۱۳۹۸: ۵۶). البته رسانه‌ها نقش مهمی در حمایت از حقوق بشر دارند؛ نقض حقوق بشر را افشاء می‌سازند و عرصه‌ای برای شنیدن صداهای مختلف در قالب گفت‌وگو عمومی مهیا می‌کنند. حتی برخی آن را نهاد چهارم و ضروری پس از مجریه، مقننه و قضائیه معرفی می‌کنند. با این حال می‌توان از قدرت رسانه‌ها نیز تاحدی سوء استفاده کرد و دموکراسی را در معرض خطر قرار داد. عده‌ای معتقدند رسانه‌ها به بلندگوی تبلیغاتی و پروپاگاندای صاحبان قدرت تبدیل شده‌اند (Hammarberg, 2011: 7). این باور که رسانه‌ها می‌توانند افکار عمومی و توده‌ها را به سوی هر دیدگاهی سوق دهند، در ابتدای قرن بیستم توسط هارولد لاسول^۱ نظریه‌پرداز ارتباطات به زبانی قابل توجه بیان شد.

وی با رویکردی مثبت بر تبلیغات و ضدیت با پروپاگاندای خصمانه می‌نویسد: «این یک واقعیت است که تبلیغات از قدرتمندترین ابزارها در دنیای مدرن محسوب می‌شود. یک ابزار جدیدتر و ظریف‌تر باید هزاران و حتی میلیون‌ها انسان را در توده آمیخته از نفرت، اراده و امید بسازد. شعله‌ای جدید باید غده مخالفت را بسوزاند و فولاد شور و شوق جنگ‌طلبانه را خنثی کند. نام این اهرم جدید

1. Harold Lasswell

همبستگی اجتماعی، تبلیغات است» (Lasswell, 1927: 220-221). این دسته از تبلیغات رسانه‌ای برای تحریک نفرت و خشونت‌پراکنی علیه بیگانگان در عرصه بین‌الملل و نیز اقلیت‌ها و شاید سایر گروه‌های آسیب‌پذیر مورد استفاده قرار گرفته‌اند. بی‌تردید چنین کارکرد رسانه‌ای به‌ویژه در تأمین صلح و امنیت به‌عنوان خواسته اصلی حقوق بین‌الملل و جاهت ندارد.

۲- رویکرد حقوق بین‌الملل به نظام آزادی رسانه

۲-۱. فراگرد اطلاع‌رسانی رسانه در دایره قواعد عام‌الشمول

قدرت رسانه‌ها بعد مهمی از زندگی مدرن و جنبه بسیار مورد بحث در مفهوم جهانی شدن است (Derian, 2009). در این ارتباط آزادی بیان و نشر اطلاعات که بالتبع در ذیل کارکردهای مهم رسانه‌ها جای می‌گیرد، مطابق با اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مورد موافقت جامعه جهانی است. این دو سند حقوقی عام‌الشمول در محتوا و امدار یکدیگرند و بر واژگان مورد ادعا متمرکز شده‌اند. این دو اصل به ترتیب بر «آزادی بیان و نشر اطلاعات به هر شکل به‌ویژه رسانه» و «ممنوعیت هرگونه تبلیغ به‌سمت جنگ» تأکید دارد.

نکته کلیدی این اسناد، منع سوءاستفاده رسانه‌ها از تبلیغات منافی صلح در فراگرد اطلاع‌رسانی است. از کنش‌های بین‌المللی دیگر انتشار بیانیه مشترک ۲۸ کشور صنعتی جهان در سال ۲۰۱۹ مبنی بر وضع قواعد بین‌المللی و دستورالعملی برای پیشبرد رفتار مسئولانه دولت‌ها در فضای مجازی است (U.S. Department of State, 2019). در حوزه تبلیغات خصمانه با محوریت حقوق بین‌الملل باید یادآور شد که سه دسته کلی شامل تبلیغات توهین‌آمیز^۱، تبلیغات براندازانه^۲ و تبلیغات برای جنگ تجاوزکارانه^۳ تعریف می‌شود (ریخته‌گری‌نچی و کدخدایی، ۱۳۹۷: ۵۲۹). با این توضیح که حذف روابط دوستانه کشورها، براندازی حاکمیت سیاسی و تغییر نظم سیاسی داخلی تابعان حقوق بین‌الملل و نیز جنگ‌طلبی علیه دیگر کشورها با القای بشردوستانه بودن از اهداف این سطوح از تبلیغات خصمانه است.

۲-۲. اتکاء بر انتقال اطلاعات با تهدید قواعد حقوق بین‌الملل

۲-۲-۱. توافق قواعد برسر گردش آزادانه اطلاعات: مطابق با آنچه گفته شد، گردش آزادانه اطلاعات مورد توافق عمده اسناد بین‌المللی به‌ویژه قرائن حقوق بشری است همچنانکه

1. Defamatory Propaganda
2. Subversive Propaganda
3. Propaganda to Aggressive War



بیانیه دادگاه حقوق بشر اروپا^۱ آن را از اصول ضروری جوامع دموکراتیک و بستر بنیادین در راستای ارتقاء افراد و جوامع می‌داند (کریمی و شریفی‌طراز کوهی، ۱۳۹۷: ۱۶۲). معمولاً دولت‌ها توافق می‌کنند دست به تبلیغات خصمانه علیه دیگر دولت‌ها و ملل نزنند و این تحریکات را گسترش ندهند (Dyke, 1940: 58-59). نکته جالب اینجاست که این اسناد عموماً قائل به آزادی مطلق در جریان توزیع و نشر اطلاعات هستند. این داده‌ها همواره هم صحیح نیستند و حتی در موارد بسیاری به‌طور بالقوه منافع و امنیت کشورها را به خطر می‌اندازند؛ به‌ویژه اگر این رسانه‌ها در خدمت جریان متخاصم مثل تروریست‌ها قرار گیرد، کارکرد رسانه چیزی جز خشونت‌پراکنی نخواهد بود.

در عصر حاضر، وسایل نوین ارتباطی انتقال اطلاعات را تحدید نمی‌کنند. قواعد بین‌المللی و اراده جهانی بر اصل آزادی اطلاعات تأکید دارند اما در صورت عدم رعایت آن به دلیل محدودیت‌های ناشی از حفظ امنیت ملی و نظم عمومی به‌عنوان استثناء نتیجه‌ای به بار می‌آید که خود تهدید کننده حقوق بشر است (مظاهری و مرادی، ۱۳۹۸: ۷۵). همانگونه هم که با توسعه فناوری، جمعیت افرادی که می‌توانند محتوا را دست‌کاری کنند، افزایش یافته است. بنابراین، دیگر نمی‌توان گفت هرچه افراد ببینند یا بخوانند درست است (خانیکی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۴).

۲-۲-۲. مناقشه واحد در مورد قاعده‌گذاری بر عاملیت رسانه‌ها

پیام‌های خصمانه یا تهاجمی که از مرزهای بین‌المللی عبور می‌کنند همواره جنجال‌آفرین هستند. البته هیچ کشوری هم رسماً مخالف حذف این نوع تبلیغات که جنگ یا خشونت را تحریک می‌کند نیست (Downey, 2017: 341). به ادعای برخی محققین اختلافات واقعی و مورد مناقشه مربوط به مقررات مناسبی است که باید در مورد فعالیت‌های رسانه‌ها اعمال شود. اینها اختلافاتی است که کشورهای جهان همچنان با آن درگیر هستند.

وابستگی متقابل رسانه‌ها و قواعد بین‌الملل حکایت از این دارد که چارچوب‌های موجود در سطح بین‌المللی در دفاع از حقوق مردم در برابر آزادی بیان و گردش آزادانه اطلاعات ناکافی به نظر می‌رسد درحالی‌که باید از مخاطب در برابر آسیب‌هایی همانند سخنان نفرت‌انگیز و پروپاگاندای رسانه‌ای محافظت کرد (Joyce, 2020: 10). درست است که رسانه‌ها با بیان، بازتولید و اشاعه اطلاعات و ایدئولوژی‌ها باعث ساختارهای گسترده اجتماعی و بین‌المللی و رابطه

حیاتی میان جوامع شده‌اند (Richardson, 2007: 114) اما تحلیل و تفسیرهای مختلف و حتی متناقض از آزادی رسانه‌ها در مفاهیم حقوق بشر، دایره و چگونگی بهره از رسانه همچون فهم تبلیغات را با سردرگمی مواجه کرده است.

۳- چارچوب نشر و بیان آزادانه در حقوق بین‌الملل

۳-۱. پروپاگاندا به نفع جنگ بشردوستانه

تبلیغات خصمانه، ماهیت تجاوزکارانه دارد که در دایره مفهوم جنگ نیز گاه محرک مخاصمات است و گاه تشدید آن را در پی دارد. این عقیده نه فقط در بازه جنگ‌های جهانی بلکه جنگ‌ها و اقدامات ضد صلح قرن ۲۱ را هم شامل می‌شود. بر این اساس هم به وضوح رد پای تبلیغات جنگ‌افروزانه رسانه‌ها در آغاز جنگ‌های عراق و افغانستان و پروپاگاندا‌ی رسانه‌ای در اغتشاشات داخلی کشورها دیده می‌شود.

۱-۱-۳. سوءگیری رسانه با اصل عدم مداخله

این یک واقعیت است که نمایندگان دولت‌ها و یا رسانه‌های خاص با نحله فکری خصمانه، در سکوت حقوق بین‌الملل دست به تهییج و آشوب در داخل دیگر کشورها می‌زنند. مثال این ادعا نامه ۱۳ نماینده کنگره آمریکا به شرکت‌های بزرگ فناوری شامل گوگل، متا، آمازون، مایکروسافت، اپل و دیجیتال اوشن بود که در آن حمایت از اغتشاش‌گران در ایران را در ناآرامی‌های سپتامبر و اکتبر ۲۰۲۲ خواستار شده بودند (cnbc, 2022). این جهت‌گیری منافی اصل عدم مداخله در امور داخلی کشورها منطبق با بند هفت ماده دو منشور ملل متحد است. حتی تفسیر به‌رأی این عمل به‌عنوان «مداخله بشردوستانه» نیز به اختیارات شورای امنیت برمی‌گردد نه دولت‌ها.

مداخله بشردوستانه آن زمان شکل می‌گیرد که دولتی حقوق اساسی و اولیه بشر را به‌طور عمد، وسیع و مداوم نقض کند و این ویرانی وسیع و فاحش، وجدان بشریت را جریحه‌دار سازد. بنابراین، توسل به زور در جهت کاهش یا توقف نقض حقوق افراد علیه دولت و یا گروه‌های ناقض حقوق بشر به‌شمار می‌رود (Mani, 2005: 29). علل مداخله بشردوستانه نیز از موارد فاحشی است که باید با گزینه‌های اتفاقی که شاید هر روز در نقاط مختلف جهان روی دهد، جداسازی شود (Dower, 2002: 86). با تحلیل عملکرد این رسانه‌ها به نظر حقوق بین‌الملل باید به سمت پاسخگویی درباره تراز رفتار رسانه‌ها و اقدامات مداخله‌جویانه آنها برود.



۲-۱-۳. نشر اطلاعات رسانه‌ای با نقض اصل حسن‌نیت

رسانه‌ها برای اخبار هیجان‌انگیز حریص هستند. این امر به مبلغان امکان می‌دهد بدون هیچ هزینه‌ای، اهدافشان را در سراسر جهان و در قالب پوشش رسانه‌ای منتشر کنند. مطمئناً ناقضان و تضییع‌کنندگان حقوق بین‌الملل مثل گروه‌های تروریستی مدام اخبار هواپیمارمایی‌ها، بمب‌گذاری‌ها و آدم‌ربایی‌ها را نیز در قالب پیام‌های رسانه‌ای توزیع می‌کنند چون در غیر این صورت افکار عمومی عملیات و محتوا را نمی‌بیند و نمی‌شنود (Jowett and Donnell, 2012: 346). این رسانه است که می‌تواند نیات خود را درون اطلاعات جاسازی کند و به مراتب دست به تغییر ذهنیت و یا فریب مخاطبان بزند. بسته به اینکه پشتوانه اقتصادی و فکری رسانه چه باشد، غلظت اطلاع‌رسانی آنان در انطباق با اصل حسن‌نیت و یا نقض آن متفاوت خواهد بود (مهدی‌زاده و غلامی، ۱۳۹۸: ۷۱). ابعاد پوشش رسانه‌ای متقلبانه و تبلیغات پروپاگاندا از یک اتفاق آن‌چنان تأثیرگذار می‌افتد که حتی ممکن است منع توسل به زور را به‌عنوان قاعده آمره مجاز و زمینه جنگ را برقرار سازد. حمله به مرکز تجارت جهانی نیویورک در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ حمله‌ای تروریستی است اما بازنمایی رسانه‌ها از آن به‌نحوی شکل گرفت که بستر اقدام متقابل غیرمجاز یعنی توسل به زور در غرب آسیا را باعث شد.

حق آزادی بیان با استناد تفسیری از متن اعلامیه حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، یک حق مطلق نیست و در فهرست حقوق مندرج در بند ۲ ماده ۴ میثاق^۱ در زمره حقوق غیرقابل عدول و تخطی‌ناپذیر قرار نمی‌گیرد. بنابراین، به شرایطی وابسته شده که به‌نظر ممنوعیت به‌کارگیری تبلیغات خصمانه برای جنگ یکی از آنها خواهد بود (ریخته‌گربرنجی و کدخدایی، ۱۳۹۷: ۵۳۳). ادعای آزادی مطلق در فراگرد نشر اطلاعات، منافع و امنیت کشورها و نظم عمومی جهانی به‌هم می‌ریزد.

البته در نقطه مقابل، هستند صاحب‌نظرانی مانند فلر^۲ که معتقدند گفتمان‌سازی در مورد مقررات حاکم بر رسانه‌های مجازی اتفاقاً به تولید مستبدانه‌تری از کنترل، نظارت و مجازات توسط دولت‌ها منجر می‌شود (Fleur, 2014: 12). با این حال به باور صاحب‌نظرانی مانند فیلیز کوبان^۳ وسایل ارتباطی نبرد قدرت جهانی را متحول ساخته و در کنارش هژمونی غرب را به

۱. این ماده بر حالتی تأکید دارد که به‌واسطه تهدید موجودیت ملت‌ها از سوی یک خطر عمومی استثنایی (فوق‌العاده)، کشورهای متعهد می‌توانند تدابیری خارج از الزامات مقرر در این میثاق اتخاذ نمایند. بند ۲ این استثناء را در برخی حالات مجاز نمی‌شمارد. با این توضیح آزادی بیان یک حق مطلق اعلام نشده است.

2. Fleur

3. Filiz Coban

چالش کشیده است. حتی برخلاف اهداف یونسکو چه‌بسا نقش سلاح عجیبی برای خصومت و خشونت‌طلبی گرفته است (Coban, 2016: 45).

۲-۳. تحریر قواعد حاکم بر تبلیغات خصمانه رسانه‌ها

۱-۲-۳. سیمای تبلیغات در ارتباطات بین‌المللی: شکی نیست که بازیگران جنگ‌طلب و گروه‌های خشونت‌طلب هم‌اکنون در بهره‌برداری از ظرفیت رسانه‌ها مهارت یافته‌اند. اینها در رسانه‌های خبری و تعاملی از مرزهای ملی گذر کرده، با ملل دیگر صمیمیت برقرار ساخته‌اند و در اثبات هویت خصمانه‌شان نیز جسورانه اقدام می‌کنند (McAleenan, 2019: 8). بنابراین، می‌توان مقررات رسانه‌ها را در سطح بین‌المللی هم تحلیل و هم نقش آن را در آموزش افکار عمومی مشاهده کرد.

الکساندر پیرز هیگینز^۱ محقق حقوق بین‌الملل در سال ۱۹۱۰ وضع و تسری این حقوق را نیازمند تبلیغات مصلحانه می‌دانست. او در دوره‌ای که هنوز فراگرد تبلیغات بار کاملاً منفی و مشابه پروپاگانداي امروزی نداشت، می‌نویسد که نیاز به آگاهی کامل‌تری از قواعد حقوقی حس می‌شود تا ارزش آنها بهتر مورد توجه قرار گیرد (Borchard, 2013: 41). حتی در آن سال‌ها مفسران حقوق بین‌الملل از نقش روزنامه‌نگاران و رسانه‌ها در آموزش و شکل‌گیری افکار عمومی آگاه بودند. بنابراین، رابطه رسانه و حقوق بین‌الملل وقتی از منشور کمک به افکار عمومی به‌وسیله برآیند تبلیغات دیده شود، جایگاهش نیز در تحول مدرن حقوق بین‌الملل عمومی آشکار خواهد شد (Joyce, 2010: 509). این موضوع حتی در سال ۱۹۰۷ و در سرمقاله اولین مجله آمریکایی حقوق بین‌الملل مطرح شد ولی در قرن بیستم در قامت یک نگرانی مهم باقی ماند (Root, 2017). ضمن آنکه علی‌رغم نقش مستمر رسانه‌ها در جهان امروز اما حقوق بین‌الملل همچنان از به‌رسمیت شناختن اصل همزیستی با رسانه‌ها به‌عنوان رویکرد غالب طفره رفته است (Joyce, 2020: 2). با توجه به ماهیت متنوع حقوق بشر و گستره معضلات و چالش‌های آن، در تحلیل رابطه رسانه و حقوق بشر نمی‌توان ابعاد و بحث‌های سیاسی را نادیده گرفت (Balabanova, 2015: 171). در عصر تحولات فراسرزمینی و در تحلیل عملکرد دولت‌ها چاره‌ای نیست جز اینکه اقدامات آن‌ها را در دو حوزه حقوق و روابط بین‌الملل نه به‌شکل مجزا بلکه درهم‌تنیده به مطالعه پرداخت.

1. Alexander Pearce Higgins



۲-۳-۲. پروپاگانداي رسانه‌ای و زوال صلح جهانی: از یک قرن پیش این موضوع مطرح شد که تبلیغات می‌تواند تهدیدی برای صلح باشد. در آن سال‌ها ویتون^۱ و لارسون^۲ در کتابشان با نام «پروپاگاندا»^۳ بر کنترل بین‌المللی تبلیغات تأکید کردند (Whiton and Larson, 1964). آنان اعتقاد داشتند تبلیغات رسانه‌ای تمایل به نقض صلح دارد.

تبلیغات جنگ با تسلیحات مشترک است و اگر بخواهیم روش‌هایی برای حذف خطرناک‌ترین سلاح‌های فیزیکی مخرب پیدا کنیم، باید تلاش شود راه‌هایی نیز برای نابودی سلاح‌های روانی که برای تشدید جنگ استفاده می‌گردند، بیابیم. چون این‌ها علل جنگ هستند. بنابراین، تبلیغات جنگ دقیقاً سلاح‌های روانی را تشکیل می‌دهند (Bobrakov, 1966: 473). هرچند در کنفرانس سالانه انجمن حقوق بین‌الملل دوک^۴ در فوریه ۱۹۶۶ بعضی سخنرانان عقیده داشتند که امکان تصویب قوانینی علیه تبلیغات جنگ وجود ندارد زیرا چنین قوانینی مخالف اصل آزادی بیان خواهد بود (Wade J. Newhouse, 1966: 520). بنابراین، با وجودی که جدیت اسناد بین‌المللی بر تنظیم محتوای رسانه‌ها قابل اذعان است اما باید دید در مورد استخراج اصطلاح پروپاگاندا یعنی تبلیغات خصمانه یا جنگ‌طلبانه که متعارض یا ناقض حق آزادی بیان و نشر اطلاعات است، از درون این اسناد مقدور است یا خیر؟

۳-۲-۳. قواعد بین‌المللی مصوب بر تبلیغات خصمانه: در حوزه روابط بین‌الملل برخی جوامع هم‌مرز به‌ویژه آنانی که همواره بیم اقدام مسلحانه علیه خاک یکدیگر دارند، گاه دست به انعقاد معاهدات دوطرفه حفظ صلح زده‌اند که اندک مواد مصوب آن یا به شکل مصرح و یا استنباطی، بر ممنوعیت تبلیغات خصمانه علیه همدیگر صخه گذاشته است.

دایره «تبلیغات خصمانه» در نظام رسانه‌ای را به‌مانند آنچه گفته شد، باید بر اساس مفاهیم «آزادی بیان» و «نشر آزادانه اطلاعات» سنجید که در حوزه کلیات «حقوق بشر» جای می‌گیرند. در این باره علاوه بر اسناد سازمان ملل و ارکان وابسته، چندین سازمان بین‌المللی منطقه‌ای نیز سراغ تصویب کنوانسیون‌هایی رفته و به ادعای خود اجرای حقوق بشر را تضمین کرده‌اند. کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های سیاسی (۱۹۵۰)، منشور حقوق اساسی اروپا (۲۰۰۰) و منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم (۱۹۸۱) سعی کردند به مضامین حقوق بشری بپردازند. این

1. Whitton
2. Larson
3. propaganda
4. Duke International Law Society's annual conference

اسناد مستقیماً اشاره‌ای به رسانه و یا تبلیغات ندارند اما بازهم می‌توان این اسناد را تفسیر موسع کرد. در مقابل، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (۱۹۶۹) صراحت بیشتری دارد و به‌طور مستقیم «هرگونه تبلیغ برای جنگ و هرگونه حمایت از نفرت ملی، نژادی یا مذهبی...» را ممنوع می‌کند و به‌عنوان «جرم قابل مجازات توسط قانون» پیشنهاد می‌دهد. علاوه بر این کمیسیون حقوق بشر^۱ و شورای حقوق بشر^۲ سازمان ملل در ادوار مختلف زمینه مصوبات مرتبط را باعث شده‌اند که ارتقاء حمایت و بهره‌مندی از حقوق بشر در اینترنت (۲ اکتبر ۲۰۰۹)، حریم خصوصی در عصر دیجیتال (۱۳ ژوئن ۲۰۱۳) و یا حق آزادی عقیده و بیان (۵ ژوئیه ۲۰۱۲) از مواردی است که وجه رسانه‌ای قواعد بین‌الملل را غلظت بخشیده است.

درست است که اینترنت و فناوری رسانه‌های جدید برای رشد جامعه مدنی بین‌المللی بسیار مهم بوده‌اند و به‌وضوح عامل تسهیل افزایش نقش سازمان‌های غیردولتی در انتشار اطلاعات هستند (Pearson, 2004: 97) ولی در تضییع حقوق بین‌الملل نیز به‌مراتب نقش آشوب‌گرانه ایفا می‌کنند.^۳ شاید به‌همین دلیل است که می‌گویند دوره ماه عسل رسانه‌های اجتماعی به پایان رسیده و درمیان تعداد فزاینده‌ای از مناقشات عمومی، رسانه‌های اجتماعی اکنون با واکنش شدید جهانی روبرو هستند (Sander, 2021: 160). مشخصه آن نیز افزایش نگرانی‌ها درباره اثرات مخرب این پلتفرم‌های ارتباطی بر فرآیندهای دموکراتیک در سراسر جهان است (Tufekci, 2018) که بی‌شک تبلیغات جنگ‌طلب و یا محرک در اقدامات خصمانه علیه تابعان بین‌الملل در این زمره جای می‌گیرد. بر همین اساس کم‌کم ردپای معاهدات چندجانبه و اسناد حقوقی دیگری هم برای ممنوعیت این اقدام ضدصلح و امنیت در حقوق بین‌الملل پیدا شده است.

اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۹ تلاش کرد با اتخاذ قواعدی منسجم و دارای ضمانت‌اجرا فعالیت‌های شرکت‌های بزرگ فناوری و رسانه‌ای مثل فیس‌بوک و گوگل را نسبت به اعمال رسانه‌ای و نشر اطلاعات ضدصلح و امنیت بین‌المللی تنظیم کند. اتحادیه اروپا این قانون‌گذاری را به‌عنوان واکنشی بر گسترش تبلیغات داعش مطرح کرد تا تبلیغ و تشویق آنان به حملات بعدی در این ابررسانه‌ها را که منبع اطلاعات جریان رسانه‌ای هستند، سرکوب کند. این پیش‌نویس هنوز هم از سوی وفاداران آزادی مطلق رسانه‌ها با مخالفت روبرو است و کمیته‌های

1. Commission on Human Rights

2. Human Rights Council

۳. از این اتفاق به «Techlash» تعبیر می‌شود که اشاره دارد به خطری که تکنولوژی‌های بزرگ مثل غول‌های رسانه‌ای می‌توانند برای مخاطب ایجاد کنند. بنابراین، در این حالت وضع قوانین جدید و نظارت شدید بر آن‌ها ضرورت می‌یابد.



مختلف پارلمان اروپا به دنبال طرحی برای ایجاد توازن میان جلوگیری از گسترش محتوای افراطی و ایده آزادی بیان در این رسانه‌ها هستند (Porter, 2019). نکته جالب این است که پارلمان در مقدمه گزارش^۱ خود اینترنت را ابزار ارتباطی قدرت‌مندی می‌داند که به‌نحوی بارز برای بسط نفرت، خشونت و تبلیغات تروریستی استفاده می‌گردد و این نفوذ و تهاجم غیرقانونی به‌حدی افزایش یافته که امنیت اعضای اتحادیه را متأثر ساخته است. البته پیش‌تر در سال ۲۰۱۵ هم «مجمع پارلمانی»^۲ شورای اروپا در قطعنامه‌ای^۳ آزادی رسانه‌ها در انتشار اطلاعات را متضمن مسئولیت دانسته و تعادل میان این اصل و اعمال محدودیت‌های مجاز بر انتشار نفرت‌پراکنی و یا تحریک خشونت را اعلام کرده بود که هنوز به شکل قواعد لازم‌الاجرا در نیامده است.

اشاره بر تبلیغات خصمانه در اسناد معتبر حقوق بین‌الملل کم‌وبیش دیده می‌شود اما برخی همانند جزء «د» از بند دوم ماده ۱۵ کنوانسیون «حقوق دریاها»^۴ و مقدمه معاهده «فضای ماورای جو»^۵ صراحتاً ممنوعیت آن را تذکر می‌دهند. البته اعلامیه‌ها و قطعنامه‌های دیگری نیز در کنار برخی کنوانسیون‌ها عمدتاً به‌شکل ضمنی بر مفاد محل بحث اشاره دارند.

در این راستا مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز بارها در قطعنامه‌های متعدد منعی بر تبلیغات متعارض با صلح و امنیت گذارده است^۶ که جدی‌ترین و جدیدترین آن قطعنامه ۵^۷ در سال ۲۰۱۶ است. این سند التزام دولت‌ها به رعایت حقوق بشر در به‌کارگیری فناوری‌های ارتباطات و اطلاعات اینترنتی را برمی‌شمرد. منع اخلال تا سوءاستفاده از امکان ارتباطی اطلاعاتی و نیز نقض الزامات حقوق بشری مثل ارعاب و البته مقابله با نفرت‌پراکنی، تهییج خشونت در بستر ارتباطی و اطلاعاتی اینترنتی را در این قطعنامه می‌توان دید که قطعاً بی‌ارتباط

۱. این گزارش با عبارت «رسیدگی به انتشار آنلاین محتوای تروریستی» (Addressing the dissemination of terrorist content online) در سال ۲۰۱۹ منتشر شد.

2. Parliamentary Assembly

3. Resolution 2031 (2015)

۴. این جزء به‌نحوی عبور بی‌ضرر کشتی‌ها را به شرط منع هرگونه انتشار تبلیغات خصمانه با هدف تأثیر بر دفاع یا امنیت دولت ساحلی می‌داند.

۵. این معاهده با یادآوری قطعنامه ۳ نوامبر ۱۹۴۷ مجمع عمومی ملل متحد، تبلیغات محرک یا مشوق تهدید علیه صلح، نقض آن یا اقدام تجاوزکارانه را محکوم می‌کند.

۶. قطعنامه‌های (۱۱۰، ۱۲۷ و ۴۰۴) به ترتیب محکومیت تبلیغات نافی صلح و متجاوزانه، برخورد با گزارشات متضرر به روابط دوستانه کشورها و رفتار اخلاقی‌مدارانه در گزارش واقعیات و محکومیت پارازیت رادیویی در جهت صلح جهانی را محل اعتنا می‌گذارد.

7. A/HRC/32/L.20

با پروپاگاندا نیست. بنابراین، اسناد مطروحه استناد بیشتری بر پروپاگانداي خصمانه داشته‌اند گرچه بیشتر اعلامیه‌ها و قطعنامه‌های دیگری نیز به این بحث پرداخته‌اند اما اشارات‌شان عموماً ضمنی و نه موضوعی بوده است.

نتیجه‌گیری

اکوسیستم رسانه‌های اجتماعی با وجود همه مزیت‌ها و کارکردهایی که در عرصه ارتباطات جهانی دارد اما به چالش بزرگی در حقوق بین‌الملل تبدیل شده است. تابعان فعال و منفعل بین‌الملل در قرن حاضر به جایگاه پرنفوذ رسانه‌ها پی برده‌اند و از آن در پیشبرد اهداف دوستانه و البته خصمانه خود بهره می‌گیرند. بی‌شک رسانه‌ها نه فقط ابزار روانی بلکه بازیگر جدید روابط بین‌الملل‌اند. زیست مسالمت‌آمیز جهان و شاید هم شکاف در روابط تابعان حقوق بین‌الملل به شکل جدی تابع نظم‌دهی وسایل ارتباط جمعی است. رسانه بسته به اینکه در دست که و چه باشد، ممکن است اهداف صلح‌آمیز یا متناقض با امنیت را پیش ببرد.

خاصیت رسانه‌های عصر کنونی نفوذ بی‌شائبه آنان در افکار عمومی است. این بستر هم شاهد انعکاس هنجارهای قاعده‌مند است و هم در اختیار ناقضان صلح و امنیت بین‌الملل قرار گرفته است. درحالی‌که فوری‌ترین مشکل دوران مدرن، حفظ صلح و متعاقباً حذف جنگ از کارنامه بشریت است. این نکته‌ای است که مورد استدلال منفی‌گرایان در خصوص نظام آزادی رسانه‌ها نیز قرار دارد. با این حال پروپاگانداي رسانه‌ای و خروجی‌اش که تبلیغات خصمانه به نفع تهییج به جنگ‌طلبی و گاه مداخله بشردوستانه است، هم‌اکنون بر برخی رسانه‌ها سایه انداخته است. «آزادی بیان» و «نشر اطلاعات» به ادعای اسناد حقوق بشری، پایه‌های نظام‌های دموکراسی‌اند که نقض آن غیرقابل اغماض است اما اطلاق تام این حقوق بر رسانه، آن‌هم بدون هرگونه دروازه‌بانی بر توزیع اطلاعات و صحت‌سنجی آن، از رسانه ابزاری می‌سازد که هدف غایی‌اش منفعت‌طلبی دولت‌ها و سایر تابعان است.

حقوق بین‌الملل نشان داده که قائل به صلح‌طلبی است ولی برخی تابعان فعال مثل دولت‌ها و یا گروه‌های ناقض صلح بین‌الملل همانند تروریست‌ها به شکل خصمانه، رسانه را به کار گرفته‌اند و دست به پروپاگاندا می‌زنند تا نظم حاکم بر جهان و روابط دول را منحرف سازند. با وجود حق آزادی رسانه در بیان و نشر اطلاعات اما اسناد بین‌الملل موجود که البته بسیار محدود، موجز و مهجورند هیچ‌یک تبلیغات ناقض امنیت، نافی صلح و متجاوز به روابط مسالمت‌آمیز تابعان حقوق بین‌الملل را نمی‌پذیرند و بر آن ممنوعیت قائل می‌شوند. امروز نقض این تعهدات عام‌الشمول در



عملیات پروپاگاندای رسانه‌ای به‌وفور دیده می‌شود. نه تنها تروریسم که هدفی جز بر هم زدن نظم عمومی زیست جهان ندارد بلکه دولت‌ها نیز از این تبلیغات به نفع خود بهره می‌برند. نهادهای رسانه‌ای، عمداً دست به اقدامات و تبلیغات ستیزه‌جویانه علیه دیگر تابعان می‌زنند و چه بسا زمینه‌ساز جنگ‌طلبی در عرصه جهانی می‌شوند و بعدتر هم بشردوستانه بودن اقداماتشان را توجیه می‌کنند و همه این فراگرد اطلاعاتی را از طریق رسانه‌های فراگیر محقق می‌سازند.

مطابق با این پژوهش، اعلامیه جهانی حقوق بشر به‌عنوان سندی لازم‌الاجرا، بر اصل آزادی بیان و نشر اطلاعات تصریح مطلق دارد ولی سند همسو با آن یعنی میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی با قید یک شرط بر این آزادی، تحدید گذاشته و نیز مبین ممنوعیت هرگونه تبلیغ برای جنگ است. جستجو در میان اسناد موضوعه ارتباطات، حکایت از این دارد که معاهدات منعقدۀ تا اعلامیه‌ها و قطعنامه‌های مقرر بر منع تبلیغات خصمانه، عملاً نتوانسته دولت‌ها را در قبال کنش‌های رسانه‌ای‌شان مسئولیت‌پذیر سازد و یا تحرکات ضدبشری گروه‌های تروریستی در استفاده از رسانه را ساماندهی نماید. البته به‌رغم حمایت نسبتاً جمعی از مقوله «آزادی بیان» در رسانه‌ها، خصوصاً در اسناد حقوق بشری و از جانب مدعیان دموکراسی اما «آزادی رسانه‌ها» بدون قیدوشرط در عمل مورد جدل و مباحث آن ضدونقیض مانده است.

به هرحال افزایش فزاینده وسایل ارتباط جمعی به‌ویژه رسانه‌های اجتماعی و تعاملی، امری غیرقابل اجتناب است. حقوق بین‌الملل چاره‌ای ندارد جز اینکه حداقل با اسناد لازم‌الاجرا سوءاستفاده دولت‌ها و تحرکات گروه‌های خشونت‌طلب را در به‌کارگیری رسانه‌ها با اتکاء بر مقوله «تروریسم رسانه‌ای» ممنوع و محکوم کند. هدف قواعد بین‌المللی در این حالت می‌تواند محافظت از رسانه‌ها در برابر دخالت دولت‌ها هم باشد تا رسانه نقش خود را در مقام ناظر عمومی ایفا کند. نباید فراموش کرد رسانه تا زمانی به‌عنوان موهبتی برای دموکراسی شناخته می‌شود که خود را نیز تحت نظارت مقررات بداند و بعدتر به‌مثابه نهاد مثبت اجتماعی ایفای نقش کند. در نظارت همگانی بر رسانه‌ها باید بر رویکرد میانه‌روی تمرکز داشت که مطابق با مسئله پژوهش، مقوله آزادی بیان را به‌عنوان یک حق البته با قید محدودیت‌های ناقض بر صلح‌وامنیت بین‌المللی می‌پذیرد که بی‌شک تبلیغات خصمانه و پروپاگاندای رسانه‌ای را هم منع می‌کند. به نظر می‌رسد حقوق بین‌الملل باید بر نظام آزادی رسانه‌ها نیز چارچوبی بگذارد تا ورای کارکرد نشر و توزیع اطلاعاتی، وفاداری به مسئولیت‌پذیری و حقیقت‌جویی را جزو اصول اساسی خود قرار دهد. با این

حال در دورانی که رسانه جزء تابعان ثانویه دهکده جهانی معرفی شده است، تابعان فعال همچون سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای باید سراغ تنظیم‌بخشی آن بروند.

پیشنهاد‌های کاربردی و رسانه‌ای

پیشنهاد می‌شود شبکه‌های برون‌مرزی صداوسیما جمهوری اسلامی ایران در پوشش رسانه‌ای فرامرزی در حوزه‌های ذیل جدی‌تر عمل کنند:

۱. از زبان حقوق‌دانان بر لزوم تدوین کنوانسیون ویژه‌ای برای مقابله با تروریسم رسانه‌ای و تبلیغات خصمانه تأکید گردد.

۲. پروپاگاندا ضدایرانی برخی از شبکه‌های غربی از جمله BBC و CNN از منظر «تبلیغات خصمانه منع شده در حقوق بین‌الملل» تبیین و بر مسئولیت دولت‌های متبوع این شبکه‌ها تأکید شود.

۳. امروزه رسانه‌های اجتماعی و تعاملی به دلیل سهولت در عبور از مرزهای سرزمینی، به راحتی می‌تواند به پمپاژ خبری منفعت‌طلبان شده‌اند. بنابراین، توسعه گستره «شبکه‌های اجتماعی خبری» با به‌کارگیری زبان‌های همه‌گیر لازمه حیات رسانه‌های تصویری است. شبکه‌های برون‌مرزی هم‌اکنون نیز از این امکان بهره‌مند هستند اما به نظر می‌رسد این سطح کافی نیست. این رسانه‌ها باید در دامنه اینترنت با اقداماتی نظیر ساخت «اپلیکیشن‌ها»ی خبری، هر چه بیشتر رویکرد تعاملی و کنش‌گرایانه پیدا کنند.

۴. ضرورت دارد فضای مجازی شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی برون‌مرزی، با ساخت و پخش آثار رسانه‌ای کوتاه از طریق سایر شبکه‌های اجتماعی همه‌گیر هجمه رسانه‌های معاند، نقض مصادیق حقوق بشر و حاکمیت کشور را بازنمایی کنند.

۵. تروریسم رسانه‌ای معضل جدی حقوق ارتباطات در حوزه تبلیغات خصمانه است. سوءاستفاده این گروه‌های ناقض صلح‌و‌امنیت بین‌الملل باید همواره با اقدام کنشی و نه واکنشی همراه باشند. این مأموریت شبکه‌های برون‌مرزی است که با برنامه‌سازی، در آغاز خود تحلیل‌گر این پدیده جهانی باشند تا در موضع انفعال برنیایند.

۶. با توجه به موضوع حساس تروریسم رسانه‌ای و اطلاعاتی به‌ویژه در خصوص اقدامات نابه‌هنجار شبکه‌های فارسی‌زبان معاند مثل ایران‌اینترنشنال و یا بی‌بی‌سی و نقض‌های گسترده حقوق بشر و متضاد با حقوق بین‌الملل از سوی آنان در مورد ایران لازم است تولید



برنامه‌های مستند حقوقی-رسانه‌ای در جهت آگاهی‌بخشی افکار عمومی منطقه با جدیت بیشتری دنبال شود.

پیشنهادها برای تحقیقات آتی

۱. امکان‌سنجی جرم‌انگاری خدمات غیرقانونی رسانه‌های بین‌الملل به تروریست‌های فراسرزمینی
۲. بررسی ابعاد مورد اختلاف در حوزه مباحث حقوق بشر و مطالعه آن در دامنه عملکرد رسانه‌ها
۳. مطالعه شفاف‌سازی جریان نشر آزادانه اطلاعات در رسانه‌ها با اتکاء به مفاد معاهدات، قطعنامه‌ها و سایر قواعد وضع شده در حقوق بین‌الملل
۴. تبیین قواعد حقوق بشری برای به‌کارگیری درست رسانه‌های ارتباط جمعی با رعایت حقوق مخاطب
۵. مسئولیت دولت‌ها در ارتکاب تبلیغات خصمانه از منظر حقوق بین‌الملل

منابع و مأخذ

منابع فارسی

- اشرفی، داریوش (۱۳۹۳)، «تفسیر جدید از صلح و امنیت بین‌المللی و تأثیر آن بر مفهوم حاکمیت ملی»، **پژوهش حقوق عمومی**، سال پانزدهم، شماره ۴۲، صص ۸۳-۱۰۹.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۴۰۰)، **ترمینولوژی حقوق**، چاپ سی و چهارم، تهران: گنج دانش.
- خانیک، هادی؛ باستانی، سوسن و ارکان‌زاده یزدی، سعید (۱۳۹۹)، «نظام رسانه‌ای ایران: جانشینی ناکامل رسانه‌های نوین و ازجا دررفتنی شبکه رسانه‌ها»، **مطالعات فرهنگ-ارتباطات**، دوره ۲۱، شماره ۴۹، صص ۷-۳۱.
- ریخته‌گربرنجی، ریحانه و کدخدایی، عباسعلی (۱۳۹۷)، «رویکرد حقوق بین‌الملل در خصوص تبلیغات خصمانه برای جنگ»، **مطالعات حقوق عمومی**، دوره ۴۸، شماره ۳، صص ۵۲۵-۵۴۵.
- زاهدی، مهدی و شریف‌زاده، شیرین (۱۴۰۰)، «آزادی بیان و اصل دوگانگی ایده و بیان»، **پژوهش عمومی**، دوره ۲۳، شماره ۷۱، صص ۹۵-۱۲۷.
- سلطانی‌فر، محمد (۱۳۹۱)، «حقوق بین‌الملل، رسانه‌ها، صلح و امنیت بین‌المللی»، **تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری** (دانشنامه حقوق و سیاست)، دوره ۸، شماره ۱۸، صص ۶۱-۷۹.

سوربون، ورنر و تانکارد، جیمز (۱۴۰۱)، **نظریه‌های ارتباطات**، ترجمه علیرضا دهقان، چاپ یازدهم، تهران: نشر دانشگاه تهران.

غلامی، محسن (۱۴۰۰)، **رفتار رسانه‌ای تروریسم**، تهران: آثار فکر.
 کرمی، رضا و شریفی طرازکوهی، حسین (۱۳۹۷)، «آزادی رسانه و وضعیت اضطراری در نظام حقوق بشر اروپا پس از یازدهم سپتامبر»، **جستارهای سیاسی معاصر**، دوره ۹، شماره ۲، شماره پیاپی ۲۸، صص ۱۶۱-۱۸۶.

مظاهری، مسعود و مرادی، مریم (۱۳۹۸)، «حاکمیت و امنیت ملی در پرتو آزادی اطلاعات»، **سیاست دفاعی**، شماره ۱۰۸، صص ۷۵-۱۱۶.

مهدی‌زاده، سیدمحمد و غلامی، محسن (۱۳۹۸)، **حقوق مخاطب در تبلیغات تجاری رسانه**، تهران: مجد.

میریان، سیدایمان و اصغری، زینب (۱۳۹۱)، «تبلیغات خصمانه از منظر حقوق بین‌الملل»، **مطالعات قدرت نرم**، سال دوم، شماره ۵، صص ۷-۳۴.

منابع انگلیسی

- Adache, J. E. (2010), "Objectivity in security story reportage and the imperative of balancing the two sides: Military role and media responsibility". In M. D. Yusuf; **The Military, The media and Nigeria's national security**. Nigeria: Gold Press Limited.
- Ariel, Yaron and Avidar, Ruth (2015), "Information, Interactivity, and Social Media", **Atlantic Journal of Communication**, 23(1), pp 19-30.
- Bardent, Eric (2021), "Deplatforming Trump", **Intermedia**. March 2021 Vol 49 Issue 1. pp 16-19.
- Borchard, Edwin M. (2013), **The Binding Force of International Law**, By A. Pearce Higgins. Published online by Cambridge University Press
- Cardoso, G. (2006), **The Media in the Network Society: Browsing, News, Filters and Citizenship**, Portugal: Centre for Research and Studies in Sociology.
- Coban, Filiz (2016), "The Role of the Media in International Relations: From the CNN Effect to the Al-Jazeera Effect", **Journal of International Relations and Foreign Policy**. Vol. 4, No. 2. pp 45-61.
- Commissioner for Human Rights (2022), "Freedom of expression, freedom of the media and safety of journalists", Available at: www.coe.int/fr/web/commissioner/thematic-work/media-freedom
- Danladi, A. A. (2013), "The role of the media in national security in Nigeria: 1960-1999". **Arabian Journal of Business and Management Review**, pp 1-13.



- Der Derian, James (2009), **Virtuous War: Mapping the Military Industrial-Media. Entertainment Network**, Publishers Weekly
- digital television network CNBC (2022), "Lawmakers urge tech CEOs to do more to help Iranian protesters circumvent internet censorship", Available at: www.cnbc.com/2022/10/28/lawmakers-urge-tech-ceos-to-do-more-to-help-iranian-protesters.html
- Dower, Nigel (2002), "Violent Humanitarianism-An Oxymoron?" **Human Rights and Military Intervention** by Moseley, Alexander & Norman, Richard (eds.), Ashgate Publishing Limited, Aldershot, UK. pp 73-94.
- Downey, Elizabeth (2017), "A Historical Survey of the International Regulation of Propaganda", **Michigan Journal of International Law**, Volume 5, Issue 1. pp 340-360.
- Downie, Jr, Leonard and Schudson, Michael (2009), **The Reconstruction of American Journalism**, New York: Columbia University Graduate School of Journalism.
- Dyke, Vernon Van (1940), "The Responsibility of States for International Propaganda", **American Journal of International Law**, Volume 34, Issue 1. pp 58-73.
- Ekaterina, Balabanova (2015), **The Media and Human Rights: The Cosmopolitan Promise**, Publisher: Routledge
- ethical culture fieldston school, Tate Library (2022), "The lexical meaning of the term propaganda". Available at: libraries.ecfs.org
- further, Joyce. (2010), "Human Rights and the Mediatization of International Law", **Leiden Journal of International Law**, Volume 23, Issue 3. pp 507-527.
- Gonina, Solomon Samuel (2019), "Mass Media, Terrorism and National Security: Defining the Threats", **Cross-Cultural Communication**, Vol. 15, No. 3, 2019, pp 10-15
- Handyside v. The United Kingdom, 5493/72, Council of Europe: European Court of Human Rights, 4 November 1976, available at: www.refworld.org/cases,ECHR,3ae6b6fb8.html
- Hendrix, Justin (2022), "War Propaganda and International Law: A Conversation with Vivek Krishnamurthy". Available at: www.techpolicy.press/war-propaganda-and-international-law-a-conversation-with-vivek-krishnamurthy
- Human Rights Council Report (2016), "A/HRC/32/L.20, The promotion, protection and enjoyment of human rights on the Internet", Human Rights Council Thirty-second session, Available at: <https://documents-dds-ny.un.org/doc/undoc/ltid/g16/131/89/pdf/g1613189.pdf?OpenElement>
- Hurd, Douglas (1997), **The search for peace**, London: little, Brown and company
- Johns, Fleur E. (2013), "The Deluge", **London Review of International Law**, vol. 1. pp 9-34.

- Jowett, Garth S. & O'Donnell, Victoria (2012), **Propaganda and Persuasion**, 5 th edition, USA, SAGE publications
- Joyce, Daniel (2010), "Human Rights and the Mediatization of International Law", **Leiden Journal of International Law**, Volume 23, Issue 3, September 2010, pp 507-527
- Joyce, Daniel (2020), **Informed Publics, Media and International Law**, Publisher: Bloomsbury Publishing
- Joyce, Daniel (2015), "Internet Freedom and Human Rights", **The European Journal of International Law**, Vol. 26 no. 2. pp 493-514.
- Lasswell, H. D. (1927), **Propaganda technique in the world war**, New York: Knopf
- Mani, V.S (2005) **Humanitarian Intervention Today**, In: Collected Courses of the Hague Academy of International Law
- McAleenan, Kevin (2019), "Homeland Security Strategic Framework for Countering Terrorism and Targeted Violence", Available at: **Homeland Security** (www.dhs.gov)
- Mercier, Arnaud (2005), "War and media: Constancy and convulsion", **International Review of the Red Cross**, Volume 87, Issue 860, pp 649-659.
- O'Neill, Onora (2013), "Media Freedoms and Media Standards", **Ethics of Media**. pp 21-38.
- Oster, Jan (2015), **Media Freedom as a Fundamental Right**, Publisher: Cambridge University Press.
- Parliamentary Assembly of the Council of Europe (2015), "Terrorist attacks in Paris: together for a democratic response", Available at: www.assembly.coe.int/nw/xml/XRef/Xref-XML2HTML-en.asp?fileid=21521&lang=en
- Porter, Jon (2019), "The EU wants to stop online extremist content in its tracks". Available at: www.theverge.com/2019/3/21/18274201/european-terrorist-content-regulation-extremist-terreg-upload-filter-one-hour-takedown-eu
- Ramona, Ludolph (2020), "Organizational propaganda on the Internet: A systematic revi", **Public Relations Inquiry**, Vol. 9(1). pp 103-127.
- Richardson, J. E. (2007), **Analysing Newspapers: An Approach from Critica**, Publisher: Red Globe Press
- Root, Elihu (2017), "The Need of Popular Understanding of International Law", **American Journal of International Law**, Volume1, Issue1, January 1907. Published online by Cambridge University Press: 04 May 2017. pp 1-3.
- Rowbottom, Jacob (2006), "Media Freedom and Political Debate in the Digital Era", **The Modern Law Review**, Vol. 69, No. 4 (Jul., 2006), pp 489-513.



- Sander, Barrie (2021), "Democratic Disruption in the Age of Social Media: Between Marketized and Structural Conceptions of Human Rights Law", **The European Journal of International Law**, Vol. 32 no 1. pp 159-193.
- Sedler, Robert Allen (2006), "An Essay on Freedom of Speech: The United States Versus the Rest of the World", **Michigan State Law Review**, Vol. 2, (2006), at 379 .pp. 377-384.
- Spencer, Alexander (2012), **lessons learnt; Terrorism and the Media**, Published by Arts and Humanities Research Council. P.4 state-behavior-in-cyberspace/ Available at: www.ukri.org/councils/ahrc/
- Stein, Laura (2004), "Understanding Speech Rights: Defensive and Empowering Approaches to the First Amendment", **Media, Culture & Society**, Volume 26, Issue 1 .pp 102-120.
- Tambini, Damian (2021), "A theory of media freedom", **Journal of Media Law**, Volume 13, 2021 - Issue 2. pp 135-152.
- Terrorist attacks in Paris: together for a democratic response. Resolution 2031 (2015)
- Tufekci, Zeynep (2018), "How Social Media Took Us from Tahrir Square to Donald Trump". Available at: www.technologyreview.com/2018/08/14/240325/
- U.S.Department of State, (2019)See: www.state.gov/joint-statement-on-advancingresponsible-
- United Nations (2016), "General Assembly- A/HRC/32/L.20 ."Available at: www.undocs.org/Home/Mobile?FinalSymbol=A%2FHRC%2F32%2FL.20&Language=E&DeviceType=Desktop&LangRequested=False
- United Nations General Assembly Resolutions (1947), "A/RES/110, Measures to be taken against propaganda and the inciters of a new war", adopted by the General Assembly during its 2nd session at the 108th plenary meeting, Available at: www.un-documents.net/a2r110.htm
- United Nations General Assembly Resolutions (1948), "A/RES/127, False or distorted reports", adopted by the General Assembly during its 2nd session at the 115th plenary meeting, Available at: <https://digitallibrary.un.org/record/209899?ln=en>
- United Nations General Assembly Resolutions (1951), "A/RES/427(V) .Measures for the peaceful solution of the problem of prisoners of war", adopted by the General Assembly during its 5th session at the 325th plenary meeting, Available at: <https://digitallibrary.un.org/record/210563?ln=en>
- Wade J. Newhouse, Jr (1966), "The Constitution and International Agreements or Unilateral Action Curbing Peace-Imperiling Propaganda", **International Control of Propaganda**, Vol. 31, No. 3, (Summer), pp 506-526.

- Whitton, John B and Larson, Arthur (1963), **Propaganda**, Publisher: Oceana; 1St Edition (January 1)
- Z. Pearson (2004), "Non-governmental Organizations and International Law: Mapping New Mechanisms for Governance". **Australian Yearbook of International Law** 23(1): 73-103.